آمریکا، کشوری چند فرهنگی و بدون هویت

ساده، افروز

چهارشنبه 15 مرداد،مراسم نشستی با نویسندگان،از سوی کارگاه رمان حوزه هنری برپا شد.در این مراسم عدهء زیادی از نویسندگان معتبر ادبیات داستانی در شبستان حوزه‏ هنری گرد هم آمدند.

محسن سلیمانی در این نشست درباره ادبیات داستانی‏ آمریکا و زبان فارسی در آن کشور صحبت کرد.سلیمانی دربارهء وضعیت زبان فارسی در آمریکا گفت:«در آمریکا،مجموعا زبان فارسی در بخشهایی از دانشگاهها و تعدادی از مدارس‏ که فرزندان ایرانیان در آن مشغول به تحصیل هستند تدریس‏ می‏شود.بخشهای گسترده‏تری نیز به نام زبان و تاریخ خاورمیانه‏ وجود دارد،که در این تقسیم‏بندی،زبان فارسی نیز بخشی را به‏ خود اختصاص داده است.در آمریکا حدود دو هزار دانش‏آموز زبان فارسی وجود دارد.

 وی درخصوص نحوهء ارائه خدمات به این دانش‏آموزان‏ گفت:«به دانشجویان زبان فارسی،خدمات زیادی ارائه نمی‏شود. در زمینه‏های نرم‏افزاری و اینترنت،زبان فارسی بسیار ضعیف‏ است.عرب زبان‏ها و ترک زبانها در این زمینه بسیار جلوترند. اگر امکاناتی مهیا کنیم که زبان فارسی ترویج شود،بسیار مفید است.مانند طراحی سایتهای آموزش زبان فارسی.در جهانی‏ که 4 میلیون ایرانی در آن پراکنده‏اند،فارسی‏آموزی مسئله‏ای‏ مهم می‏شود.بسیاری از این افراد،تمایل دارند فرزندانشان که‏ در خارج از ایران به دنیا می‏آیند و رشد پیدا می‏کنند فارسی را یاد بگیرند.اما محلی برای تدریس زبان فارسی وجود ندارد،و به‏ دلیل مشغله این خانواده‏ها،خود نیز نمی‏توانند به فرزندانشان‏ فارسی بیاموزند.

البته خود ایرانیان هم در خارج،نسبت به یکدیگر بی‏اعتنا هستند؛درحالی‏که مهاجران کشورهای دیگر،این‏گونه‏ نیستند.

در آمریکا،عربها و اسپانیانیها درخواست کرده‏اند که‏ در محل تحصیل فرزندانشان،زبان دومی که به آنها آموخته‏ می‏شود،زبان مادری‏شان باشد.درحالی‏که ایرانیان،این اهتمام‏ را ندارند.

این سخنران،آمریکا را کشوری چند فرهنگی دانست و افزود:«آمریکا کشوری چند فرهنگی و مهاجرپذیر است.هیچ‏ اتفاق‏نظری دربارهء هویت آمریکایی وجود ندارد.در یک دوره‏ -حدود اواخر قرن نوزده-بیست و سه میلیون نفر به آمریکا مهاجرت کردند.در چنین جامعه‏ای که فرهنگهای مختلفی‏ می‏آیند،دیگر فرهنگی واحد حاکم نیست.در آمریکا،آزادی‏ فرهنگی و دینی زیاد است؛و دلیل آن هم،هجوم افراد گوناگون‏ به این کشور است.

سلیمانی بخشی از آمریکا را تحت‏تأثیر اروپا بوده است‏ این‏گونه توصیف کرد:

«در بخشی که تحت‏تأثیر اروپا بوده،تقسیم‏بندی مکاتب‏ وجود دارد.در سال 1810 گرایشهای رمانتیک بسیار زیاد بود است.رمانهای،«داغ ننگ»،«کلبه عموتام»،«موبی دیک» و آثار آلن‏پو(اگرچه آلن‏پو رمان‏نویس نیست)،اصلی‏ترین‏ رمانهای رمانتیک این دوره هستند.در مجموع،این رمانها در شخصیت‏پردازی و علت‏یابی مسائل اجتماعی،رمانتیک هستند.

سلیمانی سیر داستان در این عرصه را بر سه ویژگی،شکل، شخصیت و زبان داستان دانست.

وی درباره رئالیسم در آمریکا گفت:«رئالیسم در آمریکا تاریخ طولانی دارد.نویسندگان رئال در آمریکا،زیاد هستند. رئالیسم و ناتورالیسم باهم عجین گشته‏اند.بخشی از تاریخ ادبی‏ در آمریکا در حدود دههء 30 میلادی،گرایش به ناتورالیسم بوده‏ است،که در آن،انسان مجبور به زندگی تحت شرایط جبری‏ اجتماعی و سیاسی معرفی می‏شده است.